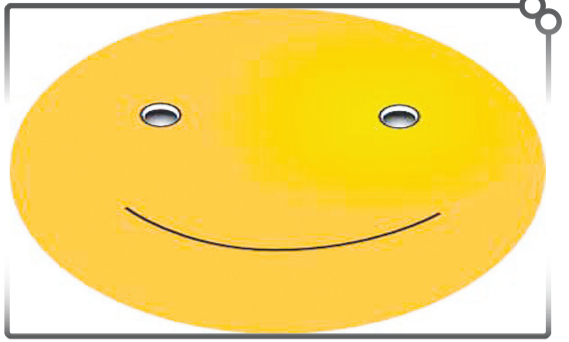


طنز

فنده‌های بلند

مه‌دی طوسی



طرف به حیف نون می‌گه من به تمساح پیدا کردم چیکارش کنم؟
میگه ببرش باغ وحش.
فردا حیف نون می‌گه پردیش؟
طرف می‌گه: آره. تازه امشب هم می‌خوام ببرمش سینما!
*
طرف زنگ زده به تعمیرکار کولر میگه:
- آقا کولرمون خراب شده میان برای تعمیر؟
تعمیرکار: کولر تون آبیئه؟
طرف: فقط دورش آبیئه وسطش سفیده!

حسی که برای زنگ ورزش به خصوص تو دبستان داشتیم، حتی برم لالیگام به دست نییاد! اصلا شب قبلش خوابم نمی‌پرد!
*
مورد داشتیم که طرف تو اعلامیه پدرش نوشته:
از وقتی رفتی گرمی از این خونه رفته...!
یعنی خیلی ریز به موضوع خاموش کردن کولر اشاره کرده!
*
روزگاری مردی سامورایی می‌زیست که می‌توانست به تنهایی ۱۲ مرد جنگجو را شکست دهد.
روزی ۱۳ مرد جنگجو به او حمله کردند و دسار از روزگارش در آوردند!

کامپیوترم به درجه‌ای از کندگی رسیده که وقتی دابل کلیک می‌کنم رو مای کامپیوتر بعد ۵ دقیقه پیغام می‌ده: داداش کجا رو کلیک کرده بودی؟!
*
"دهن منو اونکن چیست؟"
تهدیددی تو خالی که معمولا با جمله "واکن ببینم چی می‌خوای بگی" خاتمه می‌یابد!

آکهی ابلاغ رای داور به آقای علی اصغر فرامرزیان بروجنی
درخصوص دعوی آقای علی وثوق انصاری بطرفیت آقای علی اصغر فرامرزیان بروجنی به خواسته ابلاغ رای داور در پرونده کلاسه ۹۶۰۹۵۰ شنبه ۱۰۵ مکان عمومی حقوقی تهران مستقر در مجتمع قضایی عدالت تهران بعلت مجهول المکان بودن خواننده و درخواست داور مرضی الظرفین با توجه به دستور دادگاه و وصول رای داور از سوی داور مرضی الظرفین منتخب شما بدین وسیله رای داور به شما ابلاغ می‌گردد چنانچه اعتراض دارید ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ اعتراض خود را کتبا بصورت دادخواست به واحد ثبت دادخواست دفاتر خدمات قضایی تقدیم نمایید و ضمن اعلام نشانی کامل خود به نسخه نشانی رای داور را تحویل بگیرید.
د-۷۸۱/۴۹۸۴۸

دادنامه
پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۶۳۰۰۶۶۹ شنبه ۲۰۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید منتخ تهران - خواهان شهرداری شهریار با نمایندگی آقای سامیرا توکللی به نشانی شهریار خ ولیعصر رویه روی بیمارستان اسام سجاده شهرداری شهریار - خواننده آقای کمال صادقی به نشانی مجهول المکان - خواسته مطالبه وجه و کلیه ی خسارت دادرسی و خسارت تاخیر تادیه - گردشکار خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطرفیت خواننده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده مقرر دادگاه به تصدی امضاءکننده زیر تشکیل است و بنا توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر می‌آید:
رای دادگاه

درخصوص دعوی شهرداری شهریار با وکالت سامیرا توکللی بطرفیت خواننده کمال صادقی بخواسته صدور حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۱/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به استناد ۱ فقره چک به انضمام پرداخت خسارت تاخیر تادیه و هزینه دادرسی به شرح دادخواست تقدیمی نظر به اینکه به دلالت متن و ظاهر ۱ فقره چک استنادی به شماره ۴۹۱۶۴۶ مورخ ۹۳/۵/۳۰ و گواهینامه عدم پرداخت بانک محال علیه مدیونیت خواننده در قبال خواهان محرز و مسلم است و اینکه خواننده دللیلی مبنی بر پرداخت وجه چک و یا دللیلی که عدم پرداخت آن را توجیه نماید ارائه ننموده اند لذا دادگاه با استصحاب بقاء دین دعوی خواهان را ثابت تشخیص داده مستنداً به مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی و ماده واحده قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون چک مصوب ۲۳/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۱/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک لغایت زمان اجرای حکم و مبلغ ۵/۹۲۵/۰۰۰ تومان بابت هزینه دادرسی و نیز پرداخت حق وکاله وکیل طبق تعرفه به عنوان خسارت دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد اجرای احکام مکلف است در زمان اجرای حکم ما به التفاضل هزینه دادرسی را از خواهان وصول نماید رای صادره نسبت به شرکت خواننده حضوری طرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است و نسبت به دیگر خوانندگان غایبی و طرف ۲۰ روز قابل واخواهی در این دادگاه و سپس ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.
د-۷۹۰/۵۰۷۱۰

رونوشت آکهی حصر وراثت
خواهان رونوشت حصر وراثت رضا محاسن پور فرزند رحیم به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۱۰۲۵۷۰۰۶۹ صادره از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مریم یعقوب کاظمی به شماره شناسنامه ۳۰۷ در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۳ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گشت و ورثه حین الفوت آن منحصراً است به: ۱. رضا محاسن پور به ش.ش ۱۵۴۰ صادره از اهواز - فرزند متوفی ۲. حمید محاسن پور به ش.ش ۴۱۹۳۳ صادره از تهران - فرزند متوفی ۳. علی مرانی به ش.ش ۰۱۹۱۹۲۲۲۳ صادره از تهران - فرزند متوفی ۴. معصومه هاشم زاده به ش.ش ۳۱۹۸۳ صادره از تهران - فرزند متوفی - اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آکهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آکهی ظرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
د-۷۹۲/۵۰۷۱۵

مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۱۵۷ مجتمع شماره چهار شورای حل اختلاف شهر تهران

تمام کارکرد طنز، خندانند مخاطب نیست



متن سخنرانی اسماعیل امینی دسر اولین نشست موضوعی «طنز خلاق» در نقد و بررسی کتاب «پیشدارو» شروین سلیمانی است. «هم‌چو عکس آب تشویش از بنای ما نرفت مرتعش بوده است گویی پنجه‌ی معمار ما» اصل تفاوت شعر و غیر شعر در این است. منزوی می‌گوید: «تسیم نیست، نهای بیم است، بیم دار شدن که لوزه می‌فکند بر تن سپیداران زباله‌های بلا می‌برند جوی به جوی مگو که آینه‌ی جاری‌اند جویاران» چیزی که ما به عنوان طنز می‌شناسیم به تسامح می‌گوییم و عیبی هم ندارد. خیلی از کلمات دیگر را هم به تسامح به کار می‌بریم. اجمالاً به این گونه از منظومه‌ها که نسبت به مسایل، رویکرد شوخ‌طبعانه دارند شعر طنز می‌گویند. ولی یادممان باشد که خیلی از جاه‌ها نه شعر است و نه طنز است. منتها امروزه به هر متن شوخ‌طبعانه‌ای طنز می‌گویند. در قدیم طنز نمی‌گفتند. مثلاً توفیق یا مثلاً باباشمل بیشتر فکاهی می‌گفتند. طنز از دهه‌ی پنجاه به بعد رایج شد.

اصل ماجرا این است که در گذشته، جای زیادی برای عرضه‌ی حضوری طنز نبوده است؛ لذا سروده‌های طنز از طریق نوشته منتقل می‌شده. چه در نسیم شمال، چه بعدها در چلنگر، چه در نشریات دیگر، جایی نبوده که دور هم بنشینند و برای مردم شعر بخوانند. این پدیده‌ای جدید است و از فضاهای جدید، به همین دلیل چون رابطه‌ی میان مولف و مخاطب رابطه‌ی مستقیم نبوده است، مولف به ماندگاری اثر و گستردگی دایره‌ی مخاطبش و فرا زمانی بودنش توجه می‌کرده است. توجه داشته‌ که این اثر را آدم کم بسواد و بی سواد هم می‌خواند. اهل این شهر و آن شهر هم می‌خواند.

حالا چون مخاطب اغلب رو به روی مولف نشسته، واکنش مخاطب را می‌بیند. من پنج تا شعر می‌گذارم و می‌بینم که مثلاً سومی ده هزار بازدید داشته، دفعه‌ی بعد که می‌خواهم شعر بگویم روی ذهنیتم تأثیر می‌گذارد و از همان نوع می‌گویم. پس از مدتی من دیگر مولف نیستم. مولف مخاطبانی هستند که به من خط می‌دهند. آن‌ها هستند که می‌گویند چه بگویم. نه تنها در شعر طنز که در خیلی از چیزها این اتفاق افتاده. بعد از مدتی دیگر کار خلاقه نمی‌بینیم. چیزهایی

تندر عکس

«تیام: ولم کن.... بخار ببینم چرا نمی‌ذاره من گل بز نیم!»



مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۱۵۷ مجتمع شماره چهار شورای حل اختلاف شهر تهران

اسماعیل امینی در نشست «طنز خلاق»

را برای مشتریان همیشگی‌اش عرضه می‌کند. دسر همه چیز این اتفاق افتاده، آن چه شما خواسته‌اید شده. این به ضرر کار خلاقه است. چون کار خلاقه بنیانی را می‌خواهد بسازد که قبلاً نبوده است. می‌خواهد دنیا را بزرگ‌تر و رنگین‌تر و بهتر کند. اما الآن دنیایی را عرضه می‌کند که از قبل بوده. مثل منویی که رستوران می‌آورد و مشتری هر دفعه می‌گوید همین کباب بختیاری را برایم بیاور، بعد از مدتی بقیه‌ی غذاها حذف می‌شود. کسانی که مثل من کار اداری می‌کنند و ماموریت این طرف و آن طرف می‌روند می‌دانند. تا جایی که حتی در وزن شعر هم این طوری شده، شعرهای طنز با دو یا سه تا وزن هستند. چون مخاطب کم بسواد بی‌حوصله به وزن‌های جدید گوش نمی‌کند. باید بحر خفیف باشد. اگر ظرافت‌هایی در وزن شعر باشد، می‌گوید فلان جا اشکال وزنی دارد.

این‌ها را گفتم که وقتی با یک مجموعه‌ی شعر مواجه می‌شویم توجه کنیم که تمام کارکرد طنز این نیست که مخاطب بخندد، یا دست به دست گشتن شعر و بازدید زاید.

اما طنزی که به سرعت مخاطب پیدا می‌کند به همان سرعت انتشارش فراموش می‌شود. و مخاطب کم تحمل از او هر روز محصول جدیدی هم می‌خواهد. حاضر نیست که مولف یا شاعر یا خواننده‌ی محبوبش همان اثر را پنج سال دیگر هم بخواند. "شوخیه مگه بذاری بری نمونی"، دو ماه، سه ماه سر زبان‌هاست. استادان قدیمی مثلاً پنج تا شاهکار داشتند، همان را پنجاه سال اجرا می‌کردند. پس از مرگش هم دیگران اجرا می‌کردند. هر جا بنشینیم "مرغ سحر" می‌خوانند. اما الآن محصول هنری مثل لیوان یک بار مصرف شده، آب می‌خورد و می‌اندازد سطل آشغال. گفت: شعر من نان مصر را ماند، شب بر آن بگذرد نتانی خورد.

برخی از شعرهای طنز بر اساس تقابل‌های ساده شکل می‌گیرد. مثل برنامه‌ی صبح جمعه که از پیش همه می‌دانستند. مثل تقابل عروس و مادرشوهر و مالک و مستاجر... مثل فیلم هندسی که از پوستر سر در سینما می‌شود فهمید کدام کاراکتر قهرمان است کدام ضد قهرمان. آخر داستان را هم می‌شود حدس زد. توقع داستان جدید نداریم. مثل سریال‌های ماه رمضان. یا بیست و پنجم یواش یواش توبه کردن‌ها شروع بلاغت و سخن تازه نیست.

می‌شود. تا عید فطر هم همه چیز حل می‌شود. شگفتی ایجاد نمی‌کند. اکثر مخاطبان یا دنبال شکستن خط قرمزها هستند. به عبارتی دنبال حرف‌های عوامانه‌اند. مثل این که صاحب‌خانه‌ها همه بی‌رحمانند یا مستاجرها همه بی‌فکرند. کارهای زبانی در شعر طنز خیلی مهم است، اگر چه مخاطب عوام متوجه آن نشود. برخی از شعرها بر اساس تداعی ردیف ساخته می‌شوند. بدون توجه به موضوع و ظرافت‌های زبانی. مثلاً ردیفی مثل "خفه شو" آدم را وسوسه می‌کند که شعری بنویسد که تمام بیت‌هایش هم خنده‌دار می‌شود. با تداعی ردیف و هم نشینی‌اش با قافیه و مضمون‌سازی قصیده هم می‌گویند. بنیاد طنز را نمی‌شود بر اساس ردیف قرار داد.

اما مهم‌ترین کار در طنز این است که این خط‌کشی تضاد را، مثل خارجی و ایرانی، مثل پیش از اسلام و بعد از اسلام، مثل اصلاح‌طلب و اصول‌گرا و... هر نوع داوری کلی را کنار بگذارد. "دیگری" برای طنزپرداز متفکر کیست که احساس خجلان‌ترش قرار می‌گیرد؟ هنرمند هوشمند متوجه این است که چیزی به نام من دیگری نداریم. دیگری برای او هر چیزی است که شایسته‌ی انسان نیست. دیگری ملیت و نژاد و شغل و پست و مدرک تحصیلی و شهر نیست. این کار دقتی را گاهی طنزپردازان مشهور قدیمی هم کرده‌اند. مثل دهاتی و پیرزن و پیرمرد و لهجه و عملیه و گاوجران و... را به عنوان توهین به کار برده‌اند.

اگر هنرمند به این یختگی رسید که بداند چه چیزی شایسته‌ی انسان نیست، کاری کرده است. هر اثری را در حوزه‌ی ادبیات بررسی می‌کنیم در سه بخش است. یکی زبان، یکی نوع نگاه و یکی بلاغت و بیان.

در تمام دنیا کار خوب طنز با کار بلاغی همراه است. قابلیت تاول و تفسیر و ماندگاری دارد.

طنزپرداز از بیم تبعات نیست که پوشیده حرف می‌زند. در حالی که سطحی حصر زدن گاهی در واقع فحاشی است نه طنز. اثر هنری اگر صراحت داشته باشد دیگر هنری نیست، مستند و خبری است، شعار است. و دیگر این که از دسترس خوغای عوام دور می‌ماند. چون عوام دنبال چیزی است که خودش هم می‌داند و می‌خواهد از زبان شاعر هم بشنوند و دلش خنک بشود. او دنبال بلاغت و سخن تازه نیست.

ایستگاه

معرفی میدیترین مجموعه شعر طنز "معمد صالحی آرام" "مشکل مکایتی است" که طنزیم می‌کنند

اکبر اکسیس: تازه‌ترین اثر منظوم «محمد صالحی آرام»، از پیشکسوتان طنز معاصر، از سوی انتشارات مروریاد به علاقه‌مندان حوزه طنز و ادب تقدیم شد. «مشکل حکایتی است». عنوان این دفتر شعر طنز است که مشتمل بر حدود ۷۰ شعر کوتاه و بلند طنز است. صالحی آرام، از روزنامه‌نگاران با سابقه و از قدیمی‌های هیأت تحریریه روزنامه اطلاعات است که به موازات کار خطیر روزنامه‌نگاری، شاعری و طنزپردازی را نیز به خوبی پیش برده است. چند سالی نیز سردبیری نشریه خبری وزارت آموزش و پرورش، «نگاه»، را برعهده‌داشت. صالحی آرام، بیش از چهاردهه با نام‌های مستعار: صالح‌الشعرا، ملاصالح، آقاخوشخیال، دادا و امیرزاصالح در مجلات گوناگون تهران منصور، فردوسی، اطلاعات هفتگی، گل آقا، فکاهسون و طنزپارسی قلم‌زنی کرده است. از کارهای طنز او در روزنامه اطلاعات می‌توان «زیر آسمان کبود»، «طنز و حکایت» و ستون «قابل عرض» را نام برد. از کتاب‌های پیشین او می‌توان به: «شکل دگر خندیدن» (شعر طنز / نشر کوبه) و «همچو شرر خندیدن» (شعر طنز / مؤسسه اطلاعات) اشاره کرد. زنده یاد «دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی» در باب صالحی آرام نوشته است: «طنزپردازان، هرکدام سبک مخصوص به خود دارند. و این جرید و مجلات هستند که میدانی برای آنها فراهم می‌کنند. از ملانصرالدین وامثال آن که بگذریم، به توفیق و باباشمل و حاجی بابا و چلنگر و امثال آنها می‌رسیم و اینک در العقد این سبک، همان نامه‌مشکین ختامه گل آقا است و البته در مقام طنز جرید عموما عمرشان کوتاه است — و جریدای مثل توفیق یا همین گل آقا که چند صباحی پاییده‌اند، از پوست کلفتی خودشان است. اما نباید فراموش کرد که بسیاری از طنز نویسندگان بزرگ در دامن جدی‌ترین جرید وقت پرورش یافته‌اند. و من تنها اشاره کنم به همان گل آقا و همین امیرزاصالح مورد بحث خودمان که به هر حال، هر دو کار مستمر خود را از اطلاعات شروع کردند که قدیم‌ترین روزنامه باقی‌مانده از روزگار مشروطه است. محمد صالحی آرام/امیرزاصالح، که من ظاهر او را آرام‌ترین طنز نویس معاصر می‌توانم خطاب کنم؛ از همکاران قدیمی مطبوعاتی است و در جریدای که دیگر تنها نامی از آنها می‌توان یافت، مثل تهران مصور و تشکیکات و کاریکاتور و فردوسی و فکاهسون و گل آقا، شعر و یادداشت می‌نوشته است. و اینک بسیاری از آن یادداشت‌ها و شعرها را گرد آورده و به صورت کتابی درآورده است. اما درباره کتاب صالحی آرام باید گفت: نه، آن قدرها زودگذر هم نیست که بگوییم:

شوری بود و در هوا افسرد
در تازی این زمان و در من مرد
بلکه سال‌های سال باقی خواهد ماند. تسکین دهنده است. همان آب آتش‌سوزی است که مستی می‌آورد، بدون آن که آدم را به هشتاد تازینانه محتسب آشنا کند.»

دادنامه
پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۱۶۳۰۰۱۱۹۶ شنبه ۲۰۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید منتخ تهران - خواهان آقای هادی عزیزی باشاری فرزند احمد به نشانی تهران پاسور غربی میدان دانشگاه جنگ روبروی دانشکده فرماندهی ستاد - پ ۶ روکش کارلوکس - خوانندگان ۱. آقای مسعود آکیش ۲. آقای حمید خالقی عینچی ۳. آقای جواد خالقی عینچی - ۴. شرکت میناق تجارت آریا به نشانی تهران انتهای بلوار اشرفی اصفهانی به سمت حصارک نیش خیابان اقبال پول ساختمان پیوند ط ۴ واحد ۱۲ - خواسته اعمار از پرداخت هزینه دادرسی - گردشکار خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطرفیت خواننده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده / مقرر دادگاه به تصدی امضاءکننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر می‌آید: رای دادگاه مستنداً به مواد ۵۰۴ و ۵۱۴ قانون آئین دادرسی مدنی حکم بر اعسار خواهان از پرداخت هزینه دادرسی و معافیت موقت وی از پرداخت تمام آن صادر و اعلام نماید. بدیهی است هرگاه معسر به تادیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی متکثر گردد ملزم به تادیه آن خواهد بود همچنین اگر خواهان در دعوی اصلی محکوم له واقع شود و از اعسار خارج گردد هزینه دادرسی از او دریافت خواهد شد رای صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.
د-۷۹۱/۵۰۷۱۲

رای دادگاه
درخصوص دعوی هادی عزیزی باشاری بطرفیت خوانندگان شرکت میناق تجارت آریا جواد خالقی عینچی و مسعود آکیش و حمید خالقی عینچی بخواسته صدور حکم بر اعسار از پرداخت هزینه دادرسی نظر به اینکه حسب ادعای خواهان وی معسر بوده و قادر به تادیه هزینه دادرسی دعوی مطروحه نمی‌باشد و این ادعا توسط گواهان تعرفه شده خواهان که ذیل استنادیه محلی را امضا نموده اند مورد تأیید قرار گفته است و نظر به اینکه خواننده در قبال دعوی مطروحه ایراد و دفاعی به عمل نیاورده است لذا دادگاه مستنداً به مواد ۵۰۴ و ۵۱۴ قانون آئین دادرسی مدنی حکم بر اعسار خواهان از پرداخت هزینه دادرسی و معافیت موقت وی از پرداخت تمام آن صادر و اعلام نماید. بدیهی است هرگاه معسر به تادیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی متکثر گردد ملزم به تادیه آن خواهد بود همچنین اگر خواهان در دعوی اصلی محکوم له واقع شود و از اعسار خارج گردد هزینه دادرسی از او دریافت خواهد شد رای صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.
د-۷۹۱/۵۰۷۱۲

رونوشت آکهی حصر وراثت
خواهان رونوشت حصر وراثت مهین دخت امیری چیمه فرزند عزیزاله به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۱۰۲۵۷۰۰۶۹ صادره از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عزیزاله امیری چیمه به شماره شناسنامه ۳۰۷ در تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گشت و ورثه حین الفوت آن منحصراً است به: ۱. مهین دخت امیری چیمه به ش.ش ۴۳۴۰ صادره از تهران - فرزند متوفی ۲. امیرحسین امیری چیمه به ش.ش ۲۶ صادره از نطنز - فرزند متوفی ۳. پروین دخت امیری چیمه به ش.ش ۲۱۶۶ صادره از تهران - فرزند متوفی ۴. مه دخت امیری چیمه به ش.ش ۶۰۰۲ صادره از تهران - فرزند متوفی ۵. سیمین دخت امیری چیمه به ش.ش ۴۸۹ صادره از تهران - فرزند متوفی ۶. امیرحسین امیری چیمه به ش.ش ۶ صادره از نطنز - فرزند متوفی - اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آکهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آکهی ظرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
د-۷۹۳/۵۰۷۱۸

مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۱۵۷ مجتمع شماره چهار شورای حل اختلاف شهر تهران

رونوشت آکهی حصر وراثت
خواهان رونوشت حصر وراثت شبنم شعبانی نیا فرزند زین العابدین به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۱۰۲۵۷۰۰۶۹ صادره از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زین العابدین شعبانی نیا به شماره شناسنامه ۱۳ در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۰۳ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گشت و ورثه حین الفوت آن منحصراً است به: ۱. شبنم شعبانی نیا به ش.ش ۳۴۵۵۵ صادره از تهران - فرزند متوفی ۲. نیره شمس الدینی به ش.ش ۳۶ صادره از شیراز - همسر متوفی ۳. شهاب الدین شعبانی نیا به ش.ش ۱۴۳۰۰ صادره از تهران - فرزند متوفی ۴. شهرام شعبانی نیا به ش.ش ۴۶۳۶ صادره از تهران - فرزند متوفی ۵. شقایق شعبانی نیا به ش.ش ۵۴۴۹ صادره از تهران - فرزند متوفی - اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آکهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آکهی ظرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
د-۷۹۴/۵۰۷۲۲

مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۱۵۷ مجتمع شماره چهار شورای حل اختلاف شهر تهران